

سیاست، ساختمان و شهر*

دکتر محمدباقر حشمت‌زاده^۱

چکیده

این نوشتار گزارشی از یک تجربه در عرصه آموزش سیاسی است که در بهار ۱۳۸۱ در قالب یک درس ۲ واحدی با نام «کارگاه و آزمایشگاه علوم سیاسی» به تعدادی از دانشجویان در دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی ارائه شد. چهارچوب و قواره این کارگاه حاصل تجربه آموزش کاربردی دانش و تحلیل سیاسی برای صدها تن از کارشناسان و مدیران دستگاه‌های اجرایی و سیاسی در دو دهه گذشته بود.

در تجربه دانشگاه شهید بهشتی اقدامات و آزمایش‌های متعددی در مورد عمیق‌تر و دقیق‌تر نمودن دانش و ادراک سیاسی دانشجویان صورت گرفت. در این مقاله شرح دو آزمون از این تلاش‌ها گزارش شده و اهداف و نتایج آنها بیان گردیده است. گردش دسته‌جمعی با دانشجویان در دانشکده و مشاهده ساختمان آن از داخل و خارج به‌عنوان تمثیلی ساده و ایستا از ساختار و نظم و همچنین اعزام دانشجویان به‌طور انفرادی به خیابان‌ها و محله‌های مختلف تهران جهت مشاهده و ضبط مناسبات انسانی و اجتماعی به‌منظور فهم نظم پویا، محتوای مقاله حاضر را تشکیل می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: سیاست، مدنیت، معماری و ساختمان، نظم، ساختار

* پژوهشنامه علوم سیاسی (علمی - پژوهشی)، سال دوم، شماره ۷، تابستان ۱۳۸۶.

۱. عضو هیئت علمی دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی

از سال ۱۳۷۵ و در پی بیش از دو دهه تعلیم و تجربه سیاست،^(۱) نگارنده رسماً نخستین کارگاه‌های آموزشی سیاسی خود را برگزار نمود. اردوهای تابستانی علمی - فرهنگی دانشجویان، کارشناسان وزارت‌خانه‌های کار، کشور، خارجه، نفت و... عرصه‌هایی برای ارائه یافته‌ها و تجربیات کارگاه بودند. برپایی کارگاه‌های آموزش سیاسی مبتنی بر مفروضات و انگیزه‌های زیر بود:

- ۱- علم و عمل سیاسی در کشور دچار گسست هستند. یعنی علم سیاست موجود در دانشگاه‌ها برای ارائه و کاربرد در عرصه عمل و اقدام سیاسی، چندان ساخته و پرداخته نیست؛ متقابلاً عمل سیاسی نیز به هر دلیلی بعضاً دچار روزمرگی بوده و چندان مبتنی بر آموزه‌ها و یافته‌های علمی نیست.^(۲)
- ۲- در میدان ثالثی می‌توان علم و عمل سیاسی را تلفیق کرده و هر دو را ارتقا بخشید. یافته‌های تجربی عاملان سیاست با آموزه‌های نظری عالمان سیاست اگر تعامل و تلاقی یابند استراتژی زیر حاصل می‌شود:

علمی شدن عمل

عملی شدن علم

و این مقوله می‌تواند هم علت و هم نتیجه توسعه و ثبات کشور باشد.

پس از چند سال تجربه کارگاه‌های متعدد در عرصه‌های متنوع و جمع‌بندی یافته‌های آن، ایده برپایی و تأسیس نخستین کارگاه و آزمایشگاه علوم سیاسی در دانشگاه شهید بهشتی به اجرا گذاشته شد. به همین منظور در بهار ۱۳۸۱ و در قالب ۲ واحد درسی تعدادی از دانشجویان در این تجربه مشارکت کردند.

در طی ۱۴ جلسه کلاس و اوقات جانبی و فوق برنامه، فعالیت‌های زیر صورت گرفت:

- ۱- ابتدا تجربیات و مکتوبات کارگاه‌های آموزش سیاسی نهادها و ارگان‌ها در اختیار دانشجویان قرار گرفت.
- ۲- طی دو جلسه برای تفهیم و تجربه مقوله بنیادی «نظم»، با تعدادی چوب کبریت و مکعب و در قالب آموزه‌های هندسه فعالیت‌هایی صورت داده شد.

۳- در جلسات بعدی سطح آزمایش اندکی ارتقا داده شد و دانشجویان به مشاهده ساختمان فرا خوانده شدند تا از یک سو مفهوم نظم و ساختار را در قالبی واقعی تر و بزرگ تر تجربه کنند و از سوی دیگر دریابند که سیاست و ساختمان در طول تاریخ رابطه‌ای متقابل و متعامل داشته‌اند.

۴- در آزمایشی دیگر دانشجویان به آزمایشگاه‌های فیزیک و شیمی رفتند تا با مفهوم، متد و موضوع پُرطمطراق‌ترین دانش‌های بشری آشنا شوند و قیاس کنند که آیا علوم اجتماعی و سیاسی نیز شایسته استفاده از عنوان پُرشکوه علم هستند؟

۵- تجربه دیگر این بود که دانشجویان هر کدام به‌طور انفرادی به بخش‌های مختلفی از شهر تهران اعزام شدند تا طی چند ساعت تمام دیده‌ها و شنیده‌های خود را ضبط کرده سپس مورد تحلیل و تفسیر قرار داده و در مباحث مشترک مطرح نمایند تا مقوله نظم و سیاست و حکومت و قدرت را در واقعی‌ترین بستر آن یعنی جامعه و روابط انسانی ادراک و استنباط نمایند.

۶- در آزمایش‌های بعدی اعضای این کلاس و بعضاً کل دانشجویان علوم سیاسی آن مقطع دانشگاه شهید بهشتی و چند گروه دیگر از دانشجویان علوم اجتماعی به‌عنوان نمونه‌های تصادفی از کل جامعه دانشجویی و ملی در نظر گرفته شده و چندین پرسشنامه نظرسنجی با رویکرد سیاسی بین آنها توزیع شد که یافته‌های آنها استخراج شده و آمارها و نمودارهایی به‌دست آمده و مورد بحث و استنتاج قرار گرفت.

یافته‌ها و تجربیات این آزمایشگاه و کارگاه که خود به‌منظور قالب بندی و استاندارد کردن تجربیات کارگاه‌های آموزش سیاسی نهادها و ارگان‌های اجرایی انجام شده بود، طی ماه‌های متعدد و در زمانی طولانی استخراج و ضبط گردید که در اردیبهشت ۱۳۸۵ مکتوب نهایی آن تدوین و تألیف گردید که مؤلف در نظر دارد در چهارچوب پروژه‌های تحقیقاتی دانشگاه شهید بهشتی آن را به عالمان و عاملان سیاست ارائه نماید اما به‌عنوان گام‌هایی اولیه. هریک از بخش‌ها و آزمون‌های آن کارگاه در حد یک مقاله مستقل قابل ارائه هستند.

نوشتاری که ملاحظه می‌فرمایید دومین مقاله از این دست می‌باشد که تجربه ساختمان و سیاست به‌همراه دیده‌ها و شنیده‌های سطح شهر تهران در آن گنجانده شده است.

اهداف و انگیزه‌های کارگاه

لازم است انگیزه‌ها و اهداف برپایی کارگاه دقیق‌تر بیان شود تا مخاطبان اهل نظر دامنه انتظارات خود را از این مقاله محدود نموده و در همان حد این نوشتار را نقد نمایند:

۱- قریب ۴ دهه تلمذ و تجربه سیاست و تقویم برخی آسیب‌ها و قوت‌ها، سبب شد برای تعامل علم و عمل سیاسی این کارگاه به‌عنوان آزمونی برگزار شود. در این رابطه همکاران گروه علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی و برخی دیگر از اساتید به‌شکل کتبی و شفاهی مورد مشورت قرار گرفتند. درنهایت این کارگاه به‌عنوان مصوبه گروه به اجرا درآمد.

۲- از جمع‌بندی مجموعه این تجربیات، پیشنهادی ارائه شد با عنوان «طرح نخستین کارگاه و آزمایشگاه علوم سیاسی» که در انتهای این مقاله ضمیمه گردیده است. این طرح در سال ۱۳۸۳ در اولین قطب علوم سیاسی کشور که در دانشگاه شهید بهشتی تأسیس شد به‌عنوان یک فعالیت گنجانده شد تا به‌صورت دائمی تأسیس و تجهیز شود که فعلاً این امر محقق نشده تا با انتشار این قبیل مقالات و گزارشات و اخذ آراء دایره وسیع‌تری از صاحب‌نظران سیاسی، با پشتوانه قویتری اجرا گردد.

۳- در این نوشتار فقط دو برنامه از مجموعه فعالیت‌های کارگاه و آزمایشگاه گزارش گردیده یعنی بازدید ساختمان و گردش در شهر. در اینجا کارگاه بر سر آن نبوده که تأثیر این شیوه‌ها را در میزان یادگیری دانشجویان سنجش نماید که این خود امری دقیق و ضروری است اما در محدوده امکانات و اهداف آن آزمون نبوده و می‌توان در تجربیات بعدی آن را لحاظ نمود.

۴- مجری کارگاه با اعمال این شیوه‌های نسبتاً ابتکاری، اولاً در نظر داشته فضای تقریباً سرد و رخوت‌آلود آموزش علوم سیاسی را فعال‌تر و جذاب‌تر کرده، ثانیاً دو ابزار شناختی و حسی بسیار مهم یعنی سمع و بصر متعلمین را برای یادگیری تحریک نماید، ثالثاً با انگیزش و اشتیاقی که در مخاطبین ایجاد شده، دانسته‌ها و یافته‌های خود درباره سیاست را از زاویه ارتباط آن با ساختمان و معماری، شهر و تاریخ و تمدن به دانشجویان انتقال دهد. لذا آنچه جای نقد صاحب‌نظران و داوران است صحت بُرد اشتباهی مؤلف از روابط فوق است. همچنین می‌توان نقد و آزمون کرد که آیا اصولاً

کاربست این روش‌ها برای افزایش سطح و عمق یادگیری و برون‌رفت آموزش علوم سیاسی از وضعیت نه چندان مطلوب فعلی کارساز هست یا نه؟

۵- از لحاظ مفهوم و متدولوژی مرسوم است که پدیده‌های پیچیده را با تمثیل و تشبیهی تقلیل‌گرایانه به چیزهای پائین‌تر و ساده‌تر قابل فهم می‌کنند. بدیهی است مدرسان و پژوهشگران، متعلمین را از «این همانی» پنداشتن شبیه و مشبه پرهیز می‌دهند. لذا استفاده از مطالعه و مشاهده ساختمان برای ادراک مفاهیمی کلیدی چون «نظم و ساختار و...» از همین دست می‌باشد؛ بنابراین انتقال تعاریف این مفاهیم به سطح بالاتر و پیچیده‌تری چون ساختمان و جامعه و حکومت، حتماً باید با شاخص‌ها و معانی مربوطه تکمیل گردد.

در مجموع نگارنده آن کارگاه و این قبیل مقالات را دستاویز نموده که تجربیات و دغدغه‌ها و توصیه‌های خود را آسیب‌شناسی و بهینه‌سازی دانش سیاسی با صاحب‌نظران، اساتید و دانشجویان در میان نهاد و اقدامات و خرد جمعی را برای ارتقای علوم سیاسی به مدد گیرد.

امید است صاحب‌نظران با رجوع به متن کامل گزارش کارگاه و آزمایشگاه که مفصل و مطول است امکان قضاوت جامع‌تر و دقیق‌تری درباره این مقاله به دست آورده و نظرات و نقد ارزشمند خود را از نگارنده دریغ نفرمایند.

۱- ساختمان و سیاست

طرح موضوع

برای آزمون و فهم تجربی نظم در مراتب بالاتر و پیچیده‌تر و پس از انجام آزمایش‌های مربوط به چوب کبریت و مکعب، ساختمان دانشکده و محیط بیرون آن مورد بازدید دسته جمعی اعضای کارگاه قرار گرفت. از دانشجویان خواسته شد به چند نکته بیشتر توجه و تمرکز نمایند:

نکات طرح

۱- سازه و ساختاری واقعی و بزرگ همچون ساختمان این دانشکده می‌تواند تمثیل و تشبیهی از ساختار و سازمان جامعه باشد و ادراک و بررسی پدیده‌هایی چون نظم، استحکام، ساختار، کارکرد و کارآمدی، تعادل و ثبات^(۳) و... در پدیده‌ای مشهود و ایستا همچون ساختمان می‌تواند ذهن پژوهشگر را برای ادراک این کلیدواژه‌های اساسی در موضوعی پیچیده و پویا چون جامعه و سیاست آماده نماید.

۲- قسمت‌های اداری و سازمانی یک دانشکده به‌عنوان نرم‌افزاری و مظروف و ساختمان به‌عنوان سخت‌افزاری و ظرف در نظر گرفته شود تا بعداً بتوان ذهن را به ساختار و کارکرد جامعه و نظام سیاسی انتقال داد. تبعاً رابطه‌ای متناسب بین سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، ساختار و کارکرد، ظرف و مظروف از لوازم اساسی برای کارآمدی و کارایی هر مجموعه می‌باشد.

۳- سازمان و روابط اداری یک دانشکده بخشی از دیوانسالاری دولتی و ملی است که با مشاهده این جزء می‌توان تصویری از سازمان و گردش کار کل یعنی دولت و حکومت را مجسم کرد. این گردش جمعی دو ساعت به طول انجامید و پس از مباحثاتی با دانشجویان یافته‌هایی به‌عنوان جمع‌بندی از آن حاصل شد و مؤلف برداشت‌های خود را به مخاطبان القا نمود:

الف - از لحاظ متدیک و تئوریک،^(۴) دانشجویان طی مدت‌ها آمدورفت به دانشکده آن را محیط درس و زندگی خود تلقی کرده و به آن عادت نموده‌اند گویی تبدیل به قسمتی از آن شده و یا آن را قسمتی از وجود و هویت خود گردانیده‌اند. اما در طی این بازدید شاید برای نخستین بار آن را به چشم یک شی و موضوع مستقل و منفک نگریسته و باید از جو آن خارج شده و از بالا و بیرون به آن نگاه می‌کردند. در آن صورت امکان یافتند اشیا و ابعادی را در همین دو ساعت کشف کنند که در طول مدت‌های مدید، بی‌تفاوت از کنار آن عبور کرده‌اند.

ب - دانشجویان دریافتند که طراح و مؤسس و معمار با توجه به محاسبات و ملاک‌هایی اینجا را بنا کرده‌اند. مثلاً قسمت‌های اداری در غرب، کلاس‌ها در میانه و اتاق اساتید بعضاً در شرق و غرب بنا شده و در طرفین محیط کلاس‌ها تعبیه شده است. پس هر سازه مصنوعی و انسان‌ساز، اعم از ساختمان یا سازمان ساختارش

عمدتاً متأثر از مطلوبیات و مقدمات مؤسسين و بانيانش می باشد و مشاهده گر می تواند با تحلیل و تحقیق، مشاهده و مطالعه آنها را دریابد.

ج - بحثی دربارهٔ واژه دانشجوی به عمل آمد، اینکه طالب علم باید حساس و کنجکاو باشد، استاد و نظام آموزشی عمدتاً باید حس و انگیزه پرسشگری را در دانشجویان بیدار کنند. در وضع موجود غالباً بدون ایجاد طلب و تشنگی در پذیرفته شدگان کنکور، بلافاصله بذرها و پاسخ های علمی به مزرعه غیرآمادهٔ ذهن دانشجویان پاشیده می شود. تجربه نشان می دهد این شیوه موجب تلنبار شدن انبوه یافته های غیرمرتبط و غیرکاربردی در ذهن شده و نه تنها یار شاطر نخواهند بود بلکه بار خاطر می شوند. به تدریج دانشجوی در این سیستم دچار این باور و انتظار می شود که علم تماماً در یک کپسول یا دیسکت قابل انتقال به هاضمهٔ علمی او خواهد بود و لذا یک شبه و یک ساعته باید همه دانش و معرفت آن رشته برایش حاصل شود. از سوی دیگر استاد نیز ناخودآگاه چنین می پندارد که دانشجوی با دو واحد درس و کتابی و مقاله ای، عیناً همانند او که ۲۰ سال در دانشگاه تعلیم و تعلم داشته، خواهد شد. در این صورت روابط موجود به مرور زمان موجب دوری هرچه بیشتر استاد و دانشجو شده و افت آموزشی و انگیزشی را در طرفین تشدید می کند درحالی که روش و محیط کارگاهی در کلاس، موجب فهم متقابل و همگرایی این دو قطب اصلی و انتقال و انباشت بهینه دانش و معرفت می گردد.

د - روش آزمایشگاهی همانند بازدید دسته جمعی از ساختمان می تواند نشان دهد که منابع مهم تر و متدهای خلاق تری برای کسب دانش و معرفت وجود دارد از جمله مشاهده و مباحثه.^(۵) نباید تصور کرد که دانش و علم با خطی خوانا و درشت و زرین در کتابی و مقاله و دفتری مضبوط بوده و یکبار برای همیشه کشف و تألیف شده و همان است که بود. به ویژه طلبهٔ علوم سیاسی و اجتماعی باید تمام مناسبات و پدیده های موجود در محیط و مسیر خودش را موضوع تلقی کرده و آن را آزمایشگاهی رایگان و همیشگی برای آزمون و کشف نظریات دانسته و کتاب و نوشتار و کلاس و درس و استاد را به عنوان راهنما و سرمشق بداند.

ه - ساختمان و سیاست، حکومت و عمارت رابطه ای مستقیم و اساسی و دیرین

دارند.

کم و کیف ساختمان و شهرسازی و معماری در هر کشور برآیند فرهنگ، سیاست، صنعت و اقتصاد می‌باشد.

پس از این راه می‌توان قضاوت و نظریاتی درباره ابعاد گوناگون ساختار اجتماعی و سیاسی هر تمدن به دست آورد.^(۶)

در طول تاریخ اغلب شاهان و حکام بنا به نیاز و ضرورت یا نمایش عظمت، تأسیسات و عمارت‌ها و قلعه‌های بسیاری برپا کرده‌اند. معماران و بنایان همواره از اصناف و اقشار اثرگذار در جامعه و سیاست بوده‌اند و در سازمان قدرت نقش و جایگاه داشته‌اند. قدرت و ثروت شاهان و حکومت‌ها موجب بسط هنر و تکنیک معماری شده، متقابلاً تغییر و تحول در فناوری و ساختمان، فرصت‌ها و تهدیدهای جدی برای سیاست و حکومت داشته است. سعدی علیه‌الرحمه چه خوش می‌سراید:

هر که آمد عمارتی نو ساخت

شاهد مدعاهای فوق عبارتند از:

سازمان فراماسونری، دیوار چین، سد ذوالقرنین، قلعه بابل، هیکل سلیمان، اهرام مصر، تخت جمشید و آپادانا و پرسپولیس، آگروپلیس یونان، کلوزیوم رم، پنتاگون آمریکا، تاج محل هند، کرملین مسکو و رسای پاریس، باکینگهام لندن، نقش جهان اصفهان، برج میدان آزادی، برج‌های دوقلوی نیویورک، شهر ممنوعه پکن، عمارت‌های رضاشاهی در تهران، گلستان و نگارستان قاجار و...^(۷)

با استفاده از تجربه و تشخیص حاصل از این بخش کارگاه و آزمایشگاه می‌توان تجویزها و راهکارهایی جهت ارتقای آموزش دانش سیاسی ارائه کرد:

بهره‌های طرح

۱- برپایی اردوهای چندروزه مشترک با گروه‌های ادبیات، تاریخ، معماری، جامعه‌شناسی و علوم سیاسی در شیراز و اصفهان و کرمانشاه، همدان و خوزستان و... مشاهده و مباحثه درباره آثار به‌جامانده از هخامنشیان، ساسانیان، صفویه و زندیه و... بازخوانی و بازتعریف مفاهیمی کلیدی چون قدرت، مشروعیت، نظم، اقتدار، امنیت، ظهور و سقوط و... جذابیت و نافعیت چنین برنامه‌هایی برای ارتقای علم و عمل

سیاسی امری مسلم است.

۲- برپایی اردوی مشابه در تهران. در این شهر که در حال حاضر محیط دانشگاه شهید بهشتی و فضای زندگی دائم و موقت اعضای کارگاه است به راحتی و تنهائی چند روز و با هزینه‌ای بسیار اندک می‌توان تحول ساختمان و بالتبع تحول سیاسی و حکومت را در طول تاریخ معاصر ایران و در سه دوره قاجار، پهلوی و جمهوری اسلامی مشاهده کرد و به ناگفته‌ها و ناخوانده‌های فراوانی دست یافت.^(۸)

قابل ذکر است که بسیاری از دانشجویان و حتی اساتید مقیم تهران نیز کمتر توفیق یک گردش علمی و سیاسی در این شهر را داشته‌اند. پس چگونه می‌توان انتظار داشت فرد مدعی علم و طلب که فاقد یک ایران‌شناسی عینی و تجربی است، صرفاً با مطالعه نوشتار و کتاب از گذشته و حال سیاست در فراسوی مرزها مطلع شود؟!

تاریخ و تمدن، سیاست و ساختمان

دانشجوی علوم سیاسی درس‌های زیادی می‌خواند که مستقیماً و غیرمستقیم درباره تاریخ معاصر ایران است. عمده حوادث این درس نیز با محوریت تهران اتفاق افتاده است. اگر تهران‌گردی و تهران‌شناسی با نگاهی علمی و شی‌انگارانه صورت پذیرد، دانشجو توصیف و تحلیل ارزنده‌ای درباره مرکز قدرت ایران کسب کرده و می‌تواند برای حال و آینده ساختمان‌ها و عمارات و شهرسازی پایتخت، فرصت‌ها و تهدیدهای چنین شهر و سازه‌هایی راهکار و مشاوره بدهد.

پایتخت شدن تهران به وسیله آقامحمدخان، شروع کاخ‌سازی و شهرسازی قاجار، شورش مردم و قتل گریبایدوف، زرگنده و سفارت روس، جنبش تنباکو و اعتراضات و تجمعات مردم، جنبش مشروطیت و سیل عظیم مردم در بازار و حضرت عبدالعظیم، سفارت انگلیس، کاخ گلستان، مسجد سپهسالار و مجلس مشروطیت، سنگلج و خانه مدرس و رضاشاه، باغشاه و اعدام سران مشروطیت، قورخانه و کودتای ۱۲۹۹ رضاشاه، سعدآباد و عمارت‌های آلمانی‌ساز مرکز تهران، لاله‌زار و گراند هتل، محمدرضا و کاخ نیاوران، خانه مصدق و کودتای ۲۸ مرداد، میدان شوش و تره‌بار و قهوه‌خانه طیب، زورخانه شعبان جعفری و قیام ۱۵ خرداد، بازار تهران و مسجد شاه و سخنرانی‌های کاشانی در نهضت ملی نفت و میدان بهارستان، بنای شهید و جشن‌های

۲۵۰۰ ساله و مجموعه ورزشی غرب تهران.^(۹)

انقلاب اسلامی و حسینیه ارشاد و سخنرانی‌های شریعتی و مطهری، مسجد قبا و مفتح و بازرگان، مسجد هدایت و طالقانی، شب‌های شعر کانون نویسندگان در انجمن دوستی ایران و آلمان، مسجد ارک و مجلس‌های ختم شریعتی و مصطفی خمینی، حسینیه میدان ژاله و شب‌های رمضان ۵۷، شهدای هفدهم شهریور، تپه‌های قیطریه و نماز عید فطر، میدان آزادی و راهپیمایی تاسوعا و عاشورا، منزل آقای طالقانی، کمیته مشترک ضدخرابکاری، مسجد دانشگاه تهران و تحصن روحانیون، میدان انقلاب و روزهای خونینش، فرودگاه و بهشت زهرا و برگشت امام خمینی، پادگان نیروی هوایی و جنگ گارد و همافران، مدرسه علوی، جماران و خانه امام، ساختمان حزب جمهوری، سفارت آمریکا و تصرف آن، ساختمان مجلس و مجموعه ساختمان‌های رهبری و ریاست جمهوری و محل پادگان‌ها و دانشگاه‌ها و زندان اوین و...^(۱۰)

این تهران در طول ربع قرن گذشته و در سایه جمهوری اسلامی جمعیت و مساحتش چند برابر شده، بر ارتفاع آن اضافه شده است و صدها برج در آن چون قارچ سبز گردیده، صدها کیلومتر بزرگراه و پل و دو خط مترو در آن کشیده شده و امروز از ماشین و ترافیک لبریز شده و هوای البرزش با دود آلوده گردیده... در عین حال در چنین شهری که با این وسعت و سرعت گسترش یافته و مجمعی است از مردم سراسر ایران و حتی جمعی فراسوی مرزها، به چه شکل و با چه هزینه‌ای می‌توان به موقع سر کار رفت و به کلاس آمد، نان و ارزاق تهیه نمود و مسکنی دست و پا کرد...

وضعیت کنونی این پایتخت از یک سو محصول سه دهه نظام جمهوری اسلامی است و با ارزیابی آسیب‌ها و هنجارهای آن می‌توان درباره عملکرد انقلاب و نظام اظهار نظر کرد؛ از سوی دیگر بخشی از این واقعیات و فرصت‌ها و تهدیدها ناشی از میراث دویست‌ساله تهران و تحمل پایتختی دو حکومت و دولت پیشین است. با جمع‌بندی این مفروضات و داده‌ها اکنون عالم و عامل سیاست، آنهم در چهارچوب یک کارگاه و آزمایشگاه جمعی به کشف یک سؤال و مسئله بسیار اساسی می‌رسد:

«تهرانی که به هر دلیل امروز به این شکل درآمد با صدها هزار ساختمان و بنا و

میلیون‌ها نفر جمعیت و در زیر سایه ترس زلزله‌ای ۸ ریشتری، چه فرصت‌ها و تهدیدها، چه قوت‌ها و ضعف‌هایی برای دولت جمهوری اسلامی دارد؟»

«آیا چنانکه اقلیم این شهر آبستن تکانه‌های طبیعی است که تعادل خود را بازیابد، سامان نامتعادل اجتماعی این شهر نیز در انتظار تکانه‌های شدید خواهد بود؟»
اینها مسائل اساسی کشور ایران است. آیا علوم سیاسی موجود در دانشگاه‌های کشور با محتوا و روشی که هم‌اکنون دارد، می‌تواند این موضوعات را به شکل وسیع و عمیقی کشف و تبیین کرده و برای آن راهکار و راهبرد ارائه دهد؟!

دانشگاه شهید بهشتی و سیاست

ساختمان و معماری دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی و کل ساختمان‌ها و بناهای موجود در محوطه دانشگاه شهید بهشتی با ظاهر ساده‌ای از سنگ، آجر و آهن ساخته شده و صامت و خشک و بی‌روح هستند اما برای محقق و پژوهشگری که اهل بصیرت است حکایت‌های ناگفتنی بسیاری درباره سیاست و حکومت دارند.
در سال ۱۳۳۹ محمدرضا شاه پهلوی دستور تأسیس این دانشگاه را صادر می‌کند، گفته می‌شود جنبش دانشجویی کشور که منشأ آن دانشگاه تهران بود شاه را به فکر تأسیس دانشگاه ملی می‌اندازد.^(۱۱)

دانشگاه تهران را رضاشاه ساخت شاید با فهم این نکته که تولید علم و عالم در این نهاد و به‌کارگیری این محصولات در ساخت دولت و نظام می‌تواند قدرت و مشروعیت او را تضمین و تحکیم نماید و اکنون این نهاد گویی تغییر کارکرد داده بود.^(۱۲)
محمدرضا شاه می‌خواست نهادی قدرت‌ساز و مشروعیت‌پرور مطابق نیازهای دولت خود بسازد. بنابراین نگاه به ظاهر و زوایای دانشگاه و ابعاد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری آن باید بسیاری از اهداف و کارکردهای پهلوی را بنمایاند. سؤال این است که چند نفر از دانشجویان از این مسائل آگاهند و آگاهی یا عدم آگاهی آنها چه ارزش و اثری دارد؟

دانشگاه ملی که با شهریه دانشجویان و کمک‌های دولت اداره می‌شد و نوعاً می‌توانست بر روی فرزندان قشرهای بالنسبه مرفه و بالای جامعه باز باشد، به شکل‌های گوناگون می‌توانست مورد بهره‌برداری نظام شاهنشاهی قرار بگیرد و بخشی

از قدرت و مشروعیت آن نظام را تأمین نماید. اساتید و فارغ‌التحصیلان و دانشجویان و پژوهش‌های انجام‌شده هر یک به‌نوعی می‌توانستند کارکردی برای دولت وقت داشته باشند، اما با افزایش پول نفت در سال ۵۳ و رایگان شدن تحصیل، قشرهای متوسط و پائین جامعه نیز به این دانشگاه راه یافتند و جنبش دانشجویی ضد رژیم شاه در این دانشگاه نیز متولد گردید. لذا این سازمان نیز کارکردی خلاف آنچه شاه انتظار داشت، بروز داد. پس از پیروزی انقلاب این دانشگاه تغییر اسم داده و نام دانشگاه شهید بهشتی بر آن نهاده شد. اینک نظام جدید بود و این دانشگاه که چگونه باهم تعامل کنند. بعضاً شاهدیم تعداد قابل توجهی از کادرهای مهم دولتی و حکومتی از دانشجویان، اساتید و فارغ‌التحصیلان این دانشگاه هستند و یافته‌های پژوهشی این نهاد نیز در حد خود، بخش‌های مختلف کشور را تأمین و تغذیه می‌کند.

جنگ و سیاست، ساختمان و بازسازی

جهت عینیت بخشیدن به دانش سیاسی و ارتقای جذابیت آن، مطالعه جنگ تحمیلی از طریق حضور اساتید و دانشجویان در جبهه‌ها توصیه می‌شود. همانطور که اندیشمندان می‌گویند: «جنگ ادامه سیاست است با ابزاری دیگر».^(۱۳) بنابراین مطالعه و تحقیق عمیق و جدی درباره جنگ ایران و عراق به معنای بازخوانی چهره دیگری از سیاست بوده و می‌تواند متضمن یافته‌های بسیار دقیقی باشد؛ چراکه بازیگران سیاسی در تعقیب اهداف و منافع فردی گروهی و ملی زمانی که سیاست‌ورزی می‌کنند، معمولاً پنهان‌کاری یا خوش‌نمایی و خودنمایی می‌کنند. در این صورت حتی مطالعه آزمایشگاهی و تجربی این چهره منجر به ادراک عمیق وقایع و پدیده‌های قدرت و سیاست نمی‌شود درحالی‌که چهره دیگر سیاست یعنی جنگ با آثاری چون تخریب و خونریزی و به‌عنوان یک محرک و تهدید و بحران جدی برای نظام‌ها، تمام موجودیت، قابلیت، ظرفیت و آسیب‌ها و قوت‌های آنها را به چالش طلبیده و آشکار می‌نماید. بنابراین جنگ و پیامدهای آن عرصه بسیار مهمی برای مطالعه تجربی و تئوریک سیاست است.

طبق اقوال، حمله عراق به ایران در حد بالا هدفش براندازی نظام و حداقل تجزیه و تضعیف جمهوری اسلامی بود.^(۱۴) لذا این محرک مستقیماً موجودیت و امنیت ایران

را نشانه رفته بود. بناها و تأسیسات و عمارات که بزرگ‌ترین دستاوردهای تولیدات انسان و تمدن و مامن و پناهگاه اوست، جزء اهداف اصلی بعثیون بود و طی ۸ سال در حد گسترده‌ای در کشور آسیب دید.^(۱۵) پس از خاتمه جنگ نیز مانند هر کشور جنگ‌زده، نخستین و حیاتی‌ترین وظیفه و هدف دولت بازسازی و نوسازی بود.^(۱۶) کم و کیف این امر شاخصی برای سنجش و قابلیت و کارکرد نظام در همه ابعاد فرهنگی، اقتصادی و سیاسی است. بازسازی و نوسازی با حمایت و دخالت دولت همانند جراحی ترمیمی و وسیله‌ای برای اعاده عمارت و امنیت می‌باشد.

پس از جنگ دوم فاتحین و مغلوبین با نخستین و فوری‌ترین مسأله‌ای که رودررو بودند نوسازی و بازسازی ویرانه‌ها و تجدیدبنای ساختمان‌ها، شهرها و کارخانجات و تأسیسات تمدنی بود. مدیریت و سیاستی که در قالب‌های متنوع تئوریک و ایدئولوژیک برای انجام این وظیفه خطیر صورت گرفت، موارد ارزشمندی برای مطالعات اجتماعی - سیاسی است.

یک سال و نیم پس از پیروزی انقلاب اسلامی که نظام جدید به صورت جدی درگیر تثبیت اوضاع و استقرار دولت و نهادینه کردن و سازمان‌دهی مجدد قدرت و سیاست بود، مورد حمله همه‌جانبه عراق قرار گرفت و این تجاوز با حمایت یا سکوت بسیاری از بازیگران سیاسی منطقه و جهان مواجه گشت. به تدریج جبهه‌ای با گستردگی زیاد از آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه، ایلام و خوزستان در خشکی شکل گرفت و سپس از سمت دریا این جبهه از فاو تا دهانه تنگه هرمز یعنی تمام آب‌های ساحلی ایران در خلیج فارس را شامل گردید. عمق این جبهه در سطح عملیات مستقیم جنگی از ۲۰ تا ۱۰۰ کیلومتر و از لحاظ حملات هوایی و موشکی تا چند صد کیلومتر را در بر می‌گرفت. از لحاظ زمانی نیز این جنگ گسترده ۸ سال به طول انجامید که در تاریخ جنگ‌های معاصر و منطقه‌ای بی‌سابقه است. این چالش عظیم بسیاری از واقعیات، قابلیت‌ها، فرصت‌ها و ضعف‌های ایران و جمهوری اسلامی را نمایان و آشکار ساخت و برای علوم سیاسی ایران فوق‌العاده اهمیت و موضوعیت دارد. لذا هم در مجموعه دروس نظری باید جایگاهی درخور یافته و هم در کارگاه و آزمایشگاه علوم سیاسی از طریق تورهای جمعی علمی برای آن سرمایه‌گذاری

چشمگیری به عمل آورد. هزینه و فایده جنگ برای همه دولت‌ها و ملت‌ها فوق‌العاده بالاست و یکی از راه‌های ارتقای فایده جنگ‌ها مطالعه عمیق و دقیق آنها به‌منظور کاهش و پیشگیری جنگ‌های بعدی است.

هشت سال جنگ، هشتاد سال بازدارندگی

دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های علوم سیاسی ایران با پرداختن شایسته به ۸ سال جنگ تحمیلی باید راه‌هایی مفید و مقدور جهت ۸۰ سال بازدارندگی رقبای منطقه‌ای و جهانی در حمله مجدد به ایران ارائه نمایند. در عین حال ارائه الگوهای مدیریتی و سیاسی که برای بازسازی تأسیسات و بازپروری جامعه و نظام ملی به‌کارگرفته شده مشتاقان فراوانی در دنیا خواهد داشت.

با چنین رویکردهایی است که گروه علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی در بازنگری و بازنویسی دروس در چند سال قبل و با پیشنهاد نگارنده درسی با عنوان «تجزیه و تحلیل مسائل جنگ ایران و عراق» را گنجانده که گزارش نخستین کلاس آن در فصلنامه مطالعات دفاعی - امنیتی نشریه تخصصی دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی درج شده است.

۲- جامعه‌شناسی تجربی و نظم پویا

معرفی آزمون

در آزمون تجربی از پدیده نظم، سطح بررسی به تدریج از ایستایی و جمادات به جامعه و پویایی ارتقا داده شد. بنابراین پس از آزمون چوب کبریت، مکعب‌ها، ساختمان و سازمان، دانشجویان به سراغ واقعی‌ترین و عینی‌ترین و پویاترین سطح نظم و سایر مفاهیم اساسی سیاسی رفتند. مقرر گردید در یک روز معین هر دانشجو در قسمتی از شهر تهران و در مسیری با مبدأ و مقصد مشخص به مدت چند ساعت، سواره و پیاده حرکت نموده و دیده‌ها و شنیده‌های خود را یادداشت کرده و مورد تجزیه و تحلیل و استنتاج قرار دهد. این شیوه قبلاً در چند درس دیگر به‌عنوان کار پژوهشی دانشجویان اجرا شده و گزارش‌های آن موجود است. در زیر اهداف و نتایج این روش بیان می‌شود.

اهداف و مزایا

یکی از فرصت‌ها و تهدیدهای روش جامعه‌شناسی و علم سیاست نوین، شی‌انگاری پدیده‌ها و موضوعات است.^(۱۷) موضوع علوم اجتماعی و انسانی، روابط و مناسبات آدمیان است.^(۱۸) اینها محیط مستقیم زندگی ماست که تمثیل آن همچون رابطه ماهی و آب است. مردم و شهروندان نسبت به فضای حیات اجتماعی خود احساسات شدید و متعارضی دارند که اینها خود از موانع شناخت می‌باشند. زیرا بخش عمده‌ای از مناسبات اجتماعی از شور و عاطفه و احساس ساخته شده، شی‌انگاری و بریدن و مطلق کردن آن به‌عنوان موضوع علم می‌تواند منجر به مسخ شدن واقعیت آنها شده و کشف و درک معنای واقعی آنها دشوار شود. از این رو پژوهشگر و دانشجوی علوم سیاسی و اجتماعی با تمرین و ممارست فراوان باید بیاموزد که چگونه می‌توان روابط و ساختارهای انسانی و اجتماعی را از لحاظ متد مورد شناخت علمی قرار داد که از یک سو آنها را همانند اشیای بدون پیش‌داوری دیده و از سوی دیگر به‌عنوان موضوع، دانست که اینها اشیایی بی‌جان همچون سنگ و چوب نیستند و ممکن است برای هر زمان و هر مکان و هر فرهنگ، معنای خاصی داشته باشند (گرچه همان اشیا ممکن است در ذهن و چشم انسان‌ها معانی متفاوتی داشته باشند).

سمع و بصر دو حس و دو ابزار اساسی و اولیه شناخت و ادراک هستند که بر اثر تکرار و عادت ممکن است به تدریج حساسیت و دقت خود را از دست بدهند. انسان بعضاً به جایی می‌رسد که موجودات و موضوعات را آنچنان که هستند نمی‌تواند بشناسد، بلکه آنها را آنچنان که می‌خواهد و دوست دارد می‌شناسد. به فرموده کلام خداوند:

«چشم دارند و نمی‌بینند، گوش دارند و نمی‌شنوند».

در چهارچوب این شیوه دانشجوی عملاً می‌آموزد که چگونه باید از این دو وسیله به‌صورتی بهینه و کارآمد برای شناخت و جمع‌آوری مستقیم واقعیات و اطلاعات استفاده کند. ضعف یا حذف این دو حس در برخی از گزارش‌های دانشجویان کاملاً مشهود است. برای مثال دانشجویی نوشته است: من در تاکسی شنیدم که راننده با مسافری چنین گفت... سپس به تحلیل همین جمله پرداخته و در یک سیر و گذار

چندساعته اثری از سایر دیدنی‌ها و شنیدنی‌های وی موجود نیست. گزارش‌های دانشجویان معیار ارزنده‌ای برای شناخت ابعاد گوناگون شخصیت و نقاط قوت و ضعف آنها در رابطه با آموزش و پژوهش می‌باشد. برخی از آنها تا انتهای سفر چند ساعته خود تنها از مشاهداتشان نوشته‌اند و چیزی از مسموعات خود ذکر نکرده‌اند. پس می‌توان در تیپولوژی علمی و متدی. این افراد را «دیداریون» نام گذاشت و بالعکس برخی از آنها را که تنها شنیده‌های خود را یادداشت کرده‌اند «شنیداریون» نامید. برخی فقط ساختمان‌ها و درخت‌ها را گزارش کرده‌اند و کمتر از انسان‌ها نوشته‌اند و برخی تنها از انسان‌ها و افعال آنها نوشته‌اند و از ظرف و محیط فیزیکی و طبیعی شهر و مردم چیزی درج نکرده‌اند.

در جمع‌بندی نکاتی که دانشجویان گزارش کرده‌اند مطالب ارزنده زیادی وجود دارد. این یافته‌ها با وجود سادگی فوق‌العاده اولیه‌شان، قضایایی است که خودشان کشف و تولید کرده و احساس مالکیت شدیدی درباره‌شان پیدا می‌کنند؛ لذا کمتر امکان دارد آنها را فراموش نمایند و از آن پس تلاش دارند این یافته‌های تجربی و شخصی را در تشخیص و تجویز موضوعات علوم سیاسی اعمال نمایند. این روش می‌تواند به تدریج دانشجویان را از مرحله مصرف به تولید علم انتقال داده و هرکدام از آنها را در حد خودشان به تراکم و توسعه مرزهای دانش مدرسان باشد.

یافته‌ها و بهره‌های طرح

در زیر برخی نکات و یافته‌های این گزارش‌ها ارائه می‌شوند:

۱- در برخورد اولیه، دانشجویان جامعه و شهر را غوغایی از رفت‌وآمد انسان‌ها دیده و همه چیز را شلوغ و درهم، بی‌نظم و متکثر و غیرقابل پیش‌بینی احساس کرده‌اند.

۲- در ثبت و تجزیه و تحلیل این یافته‌های تجربی و حسی، به تدریج مفاهیمی کلی چون وحدت، ثبات، انتظام، مبادلات و ارتباطات را کشف و لمس نموده‌اند.

۳- این شیوه به آنها نشان داده که نوع و زاویه نگاه و مفروضات و ارزش‌های پیشین در کم و کیف شناخت اثر تعیین‌کننده‌ای دارد.^(۱۹) برای مثال دانشجویان قبلاً مناسبات و آمدورفت انسان‌ها را به چشم محیط زندگی نگریسته و تصویر برداشت

خاصی از آن در ذهن ثبت کرده است. اما در این گردش علمی به چشم شی و موضوع به محیط تهران نگاه کرده و آن را طور دیگری دیده و ناگفته‌ها و ناشنیده‌ها و نادیده‌های بسیاری را درک و لمس نموده است که قبلاً بی تفاوت از کنار آنها گذشته بود.

تفاوت تجربه سازمان یافته و از پیش طراحی شده، تئوریک و متدیک با تجربیات روزمره زندگی اجباری با این شیوه برایش روشن شده است. پس این طور نیست که هر کس در شهر و جامعه زندگی می کند و دیده‌ها و شنیده‌هایی دارد جامعه‌شناس و سیاست‌شناس باشد. باید در دانشگاه و محیط علمی آموخت که چگونه می توان در محیط عملی و زندگی، دریایی از رفت و آمد و شلوغی و انسان‌های منفرد و منفک از هم را مشاهده کرد و سپس مفاهیمی چون ساختار و نظم و امنیت و وحدت را از آنها استنباط نمود. سپس همین یافته‌های عینی و بافته‌های ذهنی مبدل به عینکی شفاف یا کدر برای بازشناسی جامعه و روابط انسانی می شود.

۴- بالفرض که دانشجو چشم و گوشه‌ی فعال و ادراکی خلاق داشته و از این دیدنی‌ها و شنیدنی‌ها توانسته مفاهیمی کلی چون وحدت، جامعه و همبستگی و... را استنباط نماید، اما موجودیت و ماهیت پدیده‌های کلیدی سیاسی همچون قدرت، حاکمیت، اقتدار و حکومت را چگونه از این مسیر درمی یابد؟ در گزارش‌ها شاید کمتر دانشجویی به وجود مأموران نیروی انتظامی که در برخورد نخست، اولین و آشکارترین نمادهای قدرت و حکومت هستند اشاره‌ای کرده باشد، با این وجود در جایی از گزارش، مباحث را به موجودیت و معنای دولت و سیاست کشانده‌اند. بدین گونه که پس از استنباط نظم، استدلال کرده‌اند باید ناظم و حاکمانی، عامل و آمر این نظم بوده باشند. بنابراین دانشجویان عملاً مراحل و روش‌های ارزنده‌ای همچون احساس و ادراک، مشاهده و استنباط، استقرا و قیاس، مفهوم و مصداق، جزئی و کلی و... را تمرین و تجربه می کنند. درحالی که اینها در یک کلاس در بسته و در لابه‌لای متون بی‌زبان و بعضاً بی‌روح کتاب و حتی تدریس استادی حاذق، کمتر انتقال می یابند.

طی چند ساعت گشت و گزار آگاهانه و دقیق، هزاران انسان و صدها ماشین و ده‌ها ساختمان اداری و مسکونی و تجاری و چندین و چند خیابان و کوچه با چشم و

گوش مورد حس و لمس قرار می‌گیرند. ساختمان‌ها ساکن و انسان‌ها و اتومبیل‌ها متحرک هستند، اما هر کدام از نظمی تبعیت می‌نمایند. ساختمان‌ها نوعاً در یک ردیف هستند، خیابان‌ها و پیاده‌روها جدول‌بندی و خط‌کشی‌هایی دارند. در مکان‌هایی فضای سبز و دار و درختی دیده می‌شود. ارتفاع بناها، توزیع و تفکیک ساختمان‌ها به مسکونی و تجاری، قیمت اجناس و خدمات، صنوف و فعالیت‌های بسیار متنوع در مغازه‌ها و پاساژها، خط ویژه اتوبوس، چراغ‌های راهنمایی و... همه و همه شواهدی هستند که به تدریج ذهن مشاهده‌گر و پرسشگر دانشجو را متوجه قانون‌مندی و نظم و ناظم می‌کنند. مغازه‌ها جواز کسب و ساختمان‌ها باید جواز ساخت بگیرند، هر کس نمی‌تواند در هر جا هر فعالیت و حرفه‌ای را عَلم کند و تولید و خدمات خود را به هر قیمتی بفروشد. سواره‌ها و پیاده‌ها هر کدام از دستورالعمل قانونی یا عرفی تبعیت کرده کم‌وبیش با رضا و یا با اکراه، رفتار و حرکات خاص و مشابهی انجام می‌دهند. دانشجو به تدریج در می‌یابد باوجود آن بیا و بروها و شلوغی‌های اولیه و به‌رغم آن انفراد و انفکاک نخستین فی ما بین آدمیان، هرکس نمی‌خواهد و نمی‌تواند هر کار که خواست انجام دهد. اینجاست که به این پرسش بنیادی سیاست، شخصاً دست می‌یابد: «چگونه است که انسان باوجود داشتن عقل و اراده آزاد و شهوت و غضب، در بیشتر زمان‌ها و مکان‌ها از عقول و اراده‌هایی غیر از خودش اطاعت و تبعیت می‌کنند؟ و جامعه و زندگی جمعی و حکومت را پذیرا می‌شود؟»^(۲۰)

این یک شیوه آموزشی و پژوهشی سؤال‌محور و مسئله‌پرور است و چون دانشجو با فعالیت و تلاش خودش، سؤال بنیادین سیاست را کشف کرده، خودش هم تشنه یافتن پاسخ می‌شود و کتاب و درس معلم را با عطش و طلب، جويا و پرسا می‌گردد و شایسته عنوان پُربهت طلبه (طالب علم) و دانشجو (جویای دانش) می‌گردد. در پاسخ به سؤال اساسی فوق است که دانشجو با کاریست همه متدهای پژوهش به این جواب و معرفت می‌رسد که انسان برای رفع نیازها و تحقق خواسته‌هایش به تأسیس و توسعه و تحکیم جامعه و روابط اجتماعی دست زده است و زیست جمعی نیازمند خرد جمعی، حاکمیت و حکومت است.^(۲۱)

سخن آخر

تجربه سال‌ها آموزش و پژوهش در دانشگاه انگیزه‌ای برای تشکیل کارگاه‌های آموزش سیاسی در وزارت‌خانه‌ها و دستگاه‌های اجرایی گردید، با این چشم‌داشت که آموزه‌های علمی و دانشگاهی به حوزه‌های عملی ارائه شود. از یک سو می‌توان انتظار داشت این یافته‌ها کمک و کلیدی برای تشخیص مسائل کشور و تجویز راهکار بوده، از سوی دیگر علم آکادمیک در مواجهه با واقعیات ملموس خود را ارتقا و اعتلا دهد. تجربه کارگاه آموزش سیاسی پس از ۵ سال جمع‌بندی و بازنگری شد و برای استاندارد شدن مجدداً در قالب یک درس در بهار ۱۳۸۱ برای تعدادی از دانشجویان علوم سیاسی اجرا گردید که تمرینات و آزمایشات آن پس از چند سال در اردیبهشت ۸۵ تألیف شده و نهایی گردید که بخشی از آن در این گزارش ارائه شد. این مقاله شامل آزمون‌هایی از مشاهده و بازدید دسته‌جمعی دانشجویان از ساختمان دانشکده و نیز گزارش دیده‌ها و شنیده‌هایشان از سطح شهر تهران بود. اهداف و نتایج حاصله را چنین می‌توان شمارش کرد:

- ۱- تقویت مهم‌ترین ابزارهای شناخت یعنی دیدن و شنیدن؛
- ۲- ادراک و شناخت عینی مفاهیمی چون ساختار، ثبات، تعادل، استحکام و... - که در دانش سیاسی - اجتماعی بنیادی و کلیدی هستند - در سازه‌ای ایستا چون ساختمان و در سیستمی پویا چون شهر و جامعه.
- ۳- رابطه حکومت با عمارت و بنا (عنوان ظرف و سخت‌افزاری) می‌تواند نشان‌دهنده مظروف و نرم‌افزاری یعنی سیاست و فرهنگ و صنعت و اقتصاد در هر دوره باشد.
- ۴- شهر تهران موزه‌ای زنده و واقعی از تعامل ساختمان و سیاست در سه دوره و سه لایه قاجار، پهلوی و جمهوری اسلامی است که دانشجویان با گردش چندروزه به‌همراه اساتید و راهنمایان، یافته‌هایی کلی و جزئی به‌دست خواهند آورد که با مطالعه چندین و چند کتاب و صرف ماه‌ها کتابخوانی و کلاس به آن دست نخواهند یافت.
- ۵- جنگ تحمیلی نیز عرصه‌ای پویا و عمیق برای ادراک مسائل سیاسی است زیرا مهم‌ترین مقوله در حین جنگ هشت‌ساله تخریب بسیار وسیع تأسیسات شهری و

تمدنی بود و بلافاصله پس از جنگ نیز اصلی‌ترین مسئله کشور بازسازی و نوسازی بود. لذا مشاهده تخریب‌ها و بازسازی‌ها، بسیاری از ابعاد ناگفته و ناخوانده سیاست را به صورتی بسیار برجسته بر طالبان دانش سیاسی باز خواهد کرد. و اما کلام آخر اینکه نگارنده با این کارگاه و این قبیل مقالات درصدد بوده یافته‌ها و توصیه‌های خود را در تشخیص آسیب‌ها و تجویز راهکارها برای ارتقای علوم سیاسی با دانشجویان و صاحب‌نظران در میان نهد و با پشتوانه اقدامات و خرد جمعی آنها کارگاه‌ها و کلاس‌های بعدی صحیح‌تر و کارآمدتر برپا شود. لذا با اشتیاق پذیرای آرا و انتقاد شماست.

ضمیمه

طرح مقدماتی تأسیس نخستین آزمایشگاه و کارگاه آموزش سیاسی در ایران

۱- تعریف

سالنی با تجهیزات مختلف که دانشجویان با راهنمایی استاد و با استفاده از امکانات موجود، مفاهیم اصلی و کلیدی علم سیاست را واریسی نموده و به صورت عینی و تجربی و با همکاری یکدیگر تعریف آنها را کشف و بازنگری می‌نمایند.

۲- آزمایشگاه

اینجا آزمایشگاه علم سیاست است زیرا دانشجویان تعریف، مفهوم و شاخص پدیده‌ها و موضوعات سیاسی را به صورت تجربی آزمایش کرده و میزان صحت و روایی تعاریف رایج را بازنگری می‌نمایند. از این طریق فرصت برای نوآوری و خلاقیت‌های ذهنی آنان فراهم می‌گردد. در این آزمایشگاه امکان «تشخیص» پدیده و آسیب‌شناسی مهیا می‌شود.

۳- کارگاه

اینجا کارگاه است همانند کارگاه‌های فنی و معماری. در اینجا کارورزان و دانشجویان به مدد وسائل و با هدایت استاد، برخی موضوعات و پدیده‌های سیاسی و اجتماعی را به نوعی ماکت‌سازی و سناریوسازی می‌کنند. دستکاری مکرر ماکت‌ها و سناریوها، امکان تجسم عینی و تجربی بهینه ساختارها و سازمان و سیاست و جامعه را فراهم می‌کند.

۴- مشارکت

مجموعه و ترکیب اساتید و دانشجویان، اصلی ترین موضوع کارگاه است. زیرا رفتار و روابط فی مابین به عنوان نمونه‌ای از کل جامعه و حکومت تلقی شده و حاضران ضمن مشارکت در این بازی، آن را به صورت فعال مورد مشاهده و آزمون قرار می دهند. تمام افراد در این بازی مشارکت داده می شوند و هر کدام از بازیگران با تأمل و تعمق در این بازی نکته‌ای از واقعیات سیاسی را کشف و لمس کرده و آن را بیان می کند. یافته‌های حاصله توسط همه افراد جمع‌بندی و نقادی و ارزیابی می شود. بنابراین «یافته‌های» نهایی، محصول مشترک گروه بوده، عامل وحدت و اجماع نظر می گردد.

۵- ضرورت‌ها

در حال حاضر نمونه‌های آسیب‌زایی از افت انگیزشی و افت آموزشی در فضای دانشگاه‌ها قابل مشاهده است. تداوم و توسعه این وضعیت، سرمایه‌گذاری‌های مادی و معنوی را در این محیط بی نتیجه و بی توجیه می کند. فضای علمی و آموزشی کلاس‌ها، هم از لحاظ فیزیکی و هم از لحاظ ارتباطات بسته است و این امر خلاقیت و ابتکار را سد می کند. مطالب نوعاً ذهنی است و موضوعات کلی و تاریخی بوده، مطالب و یافته‌ها عمدتاً به صورت نطق و خطابه اساتید منتقل می شود.

۶- اهداف

۱- ایجاد و تقویت انگیزه علمی و پژوهشی در اساتید و دانشجویان؛

۲- عینی و تجربی نمودن دانش سیاسی؛

۳- کاربردی کردن این علم؛

۴- درگیر کردن و چالش دانش سیاسی با مسائل و نیازهای واقعی و فوری جامعه؛

۵- برآورد و شناخت توانمندی‌های دانشجویان به صورتی وسیع و عمیق و دقیق و

ثبت در پرونده تحصیلی و علمی آنها؛

۶- هدایت تحصیلی دانشجویان به موضوعات مورد علاقه، مطابق توانمندی‌های

مکشوفه و اولویت نیازهای جامعه؛

۷- دعوت از مسئولین اجرایی - سیاسی در دوره‌های مختلف به عنوان استاد مهمان

به منظور تعامل بین علم و عمل سیاسی.

۷- واژگان اصلی

۱. قدرت ۲. نفوذ ۳. وحدت ۴. امنیت ۵. نظم ۶. جنگ ۷. صلح ۸. انقلاب ۹. ساختار و کارکرد سیاست ۱۰. نیرو ۱۱. فشار ۱۲. فرمانروایی ۱۳. دیپلماسی و چانه‌زنی ۱۴. ثبات ۱۵. تغییر و تحول ۱۶. تعادل و عدالت ۱۷. ظلم ۱۸. تدبیر ۱۹. سلطه ۲۰. آزادی ۲۱. برابری ۲۲. رفاه ۲۳. واگرایی و همگرایی ۲۴. همکاری و تعاون ۲۵. تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی.

۸- وسایل و امکانات

۱. سالنی با حدود یک صد متر مربع مساحت ۲. وسایل نمایش ۳. انواع نقشه‌های جغرافیایی ۴. انواع نمودارهای جمعیتی ایران ۵. برخی وسایل آزمایشگاه فیزیک و مکانیک جهت نمایش و آزمون فشار و نیرو ۶. برخی وسایل کارگاه معماری یا شبیه به آن همانند اجسام و اشکال هندسی از چوب و پلاستیک برای نمایش و آزمایش نظم و ساختار ۷. وسایل شطرنج به گونه‌های مختلف برای آزمون مقوله‌های تدبیر، سازماندهی، صبر، آرایش نیرو ۸. میزگرد با ظرفیت ۲۵ نفر هم به عنوان کلاس و هم به عنوان تمرین در نحوه مباحثه و تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی جمعی به شکل سناریوسازی کابینه، شوراها دادگاهها با وسایل صوتی لازم ۹. کامپیوتر ۱۰. تریبون برای نطق و خطابه دانشجویان ۱۱. اطاق شیشه‌ای برای نظاره و نمایش سناریوهای سیاسی که شرکت کنندگان انجام می‌دهند.

پی‌نوشت‌ها

۱. محمدباقر حشمت‌زاده، «وضعیت علم سیاست در ایران»، فصلنامه علوم سیاسی، تابستان ۸۱، ش ۱۸، ص ۳۰۶.
۲. همان، ص ۳۱۰.
۳. مایکل، راش، جامعه و سیاست، ترجمه منوچهر صبوری، سمت، ۱۳۸۱، ص ۹.
۴. دیوید مارش، جری استوکر، روش و نظریه در علوم سیاسی، ترجمه امیرمحمد حاجی‌یوسفی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، سال ۷۸، ص ۱۴ و ص ۳۹.

۵. سید محمدحسین طباطبائی، اصول فلسفه و روش رئالیسم، ج ۱، ص ۹۲ و ص ۱۰۴.
 ۶. حسن زنده‌دل، «اصفهان»، نشریه ایرانگردان، ۱۳۷۷، ص ۶۷.
 ۷. محمود طلوعی، هفت پادشاه، ج ۱، نشر قلم، ۱۳۷۷، ص ۱۹.
 ۸. حسین کریمان، تهران در گذشته و حال، دانشگاه ملی ایران، ۱۳۵۵.
 ۹. نیکی کدی، ریشه‌های انقلاب ایران، ترجمه عبدالرحیم گواهی، انتشارات بلم، ۱۳۶۹، ص ۲۳۱.
 ۱۰. محمود گلابدراهی، لحظه‌ها، انتشارات کیهان، ۱۳۶۵.
 ۱۱. علی شیخ‌الاسلامی، رنسانس ایران دانشگاه ملی ایران و شاه، لس آنجلس، شرکت کتاب، ۱۳۶۹.
 ۱۲. عیسی صدیقی، یادگار عمر، تهران، دهخدا، ۱۳۵۴، ص ۱۸.
 ۱۳. جان بایس، استراتژی معاصر، ترجمه هوشمند میرفخرائی، دفتر مطالعات سیاسی بین‌المللی، ۱۳۸۲، ص ۳۰.
 ۱۴. محمدباقر حشمت‌زاده، ارتباطات و امنیت ملی در جنگ ایران و عراق، دفتر مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۹، ص ۷۹.
 ۱۵. خلاصه گزارش برآورد خسارات اقتصادی جنگ تحمیلی، سازمان برنامه و بودجه، خرداد ۱۳۶۳.
 ۱۶. محمدباقر، حشمت‌زاده، ایران و نفت، انتشارات باز، ۱۳۷۹، ص ۳۷۰.
 ۱۷. فیونا دیواین، «تحلیل کیفی»، در دیوید مارش و جری استوکر، همان، ص ۲۳۰.
 ۱۸. آلون بی‌سو، تغییر اجتماعی و توسعه، ترجمه محمود حبیبی مظاهری، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۰، ص ۲۱۵.
 ۱۹. محمود سریع‌القلم، روش تحقیق در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، نشر فرزانه، ۱۳۸۰، ص ۵۰.
 ۲۰. محمدباقر، حشمت‌زاده، مسائل اساسی علم سیاست، مؤسسه دانش و اندیشه معاصر، ج ۳، ۱۳۸۱، ص ۵۶.
21. David Miller, **Political, Philosophy**, Oxford University Press, 2003, P. 13.